



وزیر خارجه آمریکا:
تحریمی
علیه کره شمالی
لغو نمی شود

ابراز تمایل رئیس جمهور سوریه
برای ایجاد پایگاه‌های نظامی ایران در این کشور

اسد:
در سوریه بماند



صدا نشینی ایران در گروه مرگ
عکس ما در جام جهان

رهبان انقلاب اسلامی در خطبه‌های نماز باشکوه عید فطر:

ملت ایران بیدار و پیرانگیزه است

مسئولان برای حل مسائل اقتصادی تصمیم‌های قاطع بگیرند و اجرا کنند



عکس Leader.ir

دشمنی آمریکا، واقعیتی فراجزبی و نامحدود

■ امید رامز

زوتن سال ۲۰۰۹ (اولین سال ریاست جمهوری باراک اوباما)، چند هفته قبل از انتخابات سال ۸۸ ایران بود که بخش سیاست‌گذاری غرب آسیا در مرکز «سایان سنتر» وابسته به «انستیتو بروکینگز» که یکی از اندیشکده‌های مهم حزب دموکرات آمریکاست، سندی به نام «Which Path To Persia» یا «راه‌های فتح ایران» را منتشر کرد. در این سند، برای تصرف ایران ۹ راه متفاوت ذیل ۴ دسته‌بندی کلی گزیندهای دیپلماتیک، گزیندهای نظامی، تغییر رژیم و محدودسازی پیشنهاد می‌شود. پیشنهاد تعامل و ارائه گزینه وسوسه‌کننده، حمله نظامی همه‌جانبه، تشویق اسرائیل به حمله نظامی علیه ایران و حمایت از آن در یک جنگ نیابتی، انقلاب مخملی، حمایت از اپوزیسیون داخلی و حمایت از گروه‌های شبه‌نظامی داخلی در شرق و غرب کشور از جمله گزیندهایی است که توسط تصمیم‌سازان دموکرات اندیشکده انستیتو بروکینگز به کاخ سفید پیشنهاد می‌شود. جدا از اینکه دموکرات‌ها هم همچون جمهوری خواهان حساب ویژه‌ای روی گروه‌های اپوزیسیون داخلی برای تغییر رژیم باز کرده‌اند، با توجه به این سند آیا باز هم می‌توان دروغ اوباما و سایر دموکرات‌ها را مبنی بر عدم تمایل به تغییر رژیم در ایران باور کرد؟

■ دشمنی نظام سیاسی آمریکا

نحوه مواجهه آمریکا بیش از اینکه ناشی از نگاه جمهوری خواهان یا دموکرات‌ها باشد، ناشی از یک نگاه فراجزبی و ملی است که در اتاق‌های فکر این کشور به سیاستمداران این کشور دیکته می‌شود. از جمله مراکز مهمی که در جهت سیاست‌گذاری و جهت‌گیری کلی کاخ سفید فعالیت می‌کنند، سیاست‌دو حزبی آمریکا معروف است. این اندیشکده (Think Tank) متشکل از جمعی از دانشگاهیان، صاحبان کسب‌وکار و سیاستمداران با سابقه ایالات متحده است که عمدتاً در کاخ سفید، کنگره و سنا مشغول به کار بوده‌اند و در حوزه‌های انرژی، اقتصاد، مسکن و از همه مهم‌تر امنیت ملی برای کاخ سفید تصمیم‌سازی و خط‌مشی‌گذاری می‌کنند. این مرکز ماه ۲۰۱۸ سندی با نام «سیاست آمریکا در قبال ایران: گزینه‌های استراتژیک» منتشر کرد که در آن پس از بررسی منافع آمریکا در غرب آسیا و اهداف ایران در این منطقه و همچنین تحلیل نقاط ضعف ایران، ۳ گزینه را از جمله تقویت گروه‌های ضد شیعه جهت آسیب‌پذیری داخلی رژیم ایران، تضعیف قدرت منطقه‌ای ایران و در نهایت تغییر دروغ می‌گویند که به دنبال تغییر رژیم در ایران نیستند و برخی این دروغ بزرگ را باور می‌کنند.

■ دیدگاه

یکی از محورهای اصلی سخنرانی‌های رهبر انقلاب بویژه در سال‌های اخیر تأکید بر وجود دشمن، لزوم شناخت آن، چرایی و چگونگی آن، توجه به اهمیت مقابله با آن و رد منطقی و متفن ادعای برخی جریان‌های داخلی مبنی بر وجود توهم توطئه است. در همین راستا ۳ نکته اساسی در بیانات ایشان همواره مورد تأکید قرار گرفته است؛ اول اینکه این دشمنی به هیچ‌وجه محدود به مساله هسته‌ای، مسائل موشکی، اتهام تروریسم و حقوق بشر نیست؛ «یک مساله اساسی این است که دشمنی آمریکا با ملت ایران و با جمهوری اسلامی اصلاً حول محور هسته‌ای نیست. این خطاست اگر خیال کنیم دعوی آمریکا با ما بر سر قضیه هسته‌ای است. نه! قضیه هسته‌ای بهانه است. قبل از اینکه مساله هسته‌ای مطرح باشد، همین دشمنی‌ها، همین مخالفت‌ها از اول انقلاب بود. اگر یک روزی هم مساله هسته‌ای حل شد، فرض کنید جمهوری اسلامی عقب‌نشینی کرد، همانگونه که آنها می‌خواهند، خیال نکنید مساله تمام خواهد شد! نه! ۱۰ بهانه دیگر را بتدریج پیش می‌کشند؛ چرا موشک دارید؟ چرا هواپیما می‌بندون سرنشین دارید؟ چرا رژیم صهیونیستی را به رسمیت نمی‌شناسید؟ چرا از مقاومت در منطقه حمایت می‌کنید؟» (۹۲/۱۲)

دوم اینکه این دشمنی محدود به دولت فعلی یا به صورت کلی تر محدود به جمهوری خواهان نیست و متوجه کل نظام سیاسی ایالات متحده در قبال ایران است: «تکلیف اینها کار این دولت است و کار ترامپ است؛ نه دولت قبل هم که با ما نشست، صحبت کرد و وزیر خارجه‌اش ۱۰ روز، ۱۵ روز در اروپا پایبند جلسات بود؛ آنها هم تقریباً همین جور آلودند.» (۹۷/۳۲)

سوم اینکه نحوه مواجهه ایران با آمریکا در این دشمنی، از نوع «واکنش» است نه «کنش»؛ به عبارت دیگر این نظام سیاسی آمریکا است که این منازعه و تقاضا را آغاز کرده است نه ایران: «برخی به مبارزه سخت و جنگ دشوار سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی ایران با هجوم همه‌جانبه دشمنان معتزضند و فکر می‌کنند جمهوری اسلامی ایران این جنگ را شروع کرده است اما این تصور نوعی غفلت است.» (۹۶/۱۲/۲۴)

■ دشمنی جمهوری خواهان

حتی خوشبین‌ترین طرفداران داخلی رابطه با آمریکا نیز در دشمنی جمهوری خواهان با ایران شک ندارند. «کنترین ریمو» که مطابق آن با توجه هراس از کمونیسم، باید مولتی فراروی انقلاب‌های ملی تراشیده می‌شد تا از پیشرفت آنها ممانعت به عمل

تکرار «حرف مردم» در بزرگ‌ترین تریبون ملی

■ محمدرضا کردلو

این ماه، تبریک عید سعید فطر و زکات این روز، توجه به موضوع انتظار و یادکردی از ملت مظلوم فلسطین و یمن، یادآوری ایثار و از خودگذشتگی مردم و تقدیر از آنها و حقی که از آنها برگردن مسئولان است:

سفره کوچک‌شان نان حلالی دارد همه هستند اگر نوبت ایثار شود پای کارند اگر موسم بیکار شود گل‌مندان ولی حجب و حیایی دارند مردم ما چه گذشتی، چه فوایی دارند ای نشسته صف اول صف ایثار آنجاست آن سوی نرده... ببین... لذت دیدار آنجاست نکند نرده میان تو و مردم باشد درد دل‌ها پس این فاصله‌ها هم باشد و تشویق‌های مردم که از پس این ایات فضایی مصالی امام خمینی را بر می‌کرد و تصاویر حضراتی که سرشار از شمع بودند حاکی از یک همراهی مردم با اشعاری بود که چهل سال چرا این شعر به ۲۰۰۸ از سوی رئیس جمهور محترم و یکی از اعضای تیم مذاکره‌کننده، به موضوع تدریس برجام در مدارس و ادعای تضمین کری بر برجام اشاره کرده و می‌گوید:

«باید این تجربه در «مدرسه تدریس» شود سند محکم بدعهدی ابلیس شود گرچه بدعهدی دشمن همه جور است و جفا عهد به بستن ما نیز خطا بود، خطا ذوق بیهوده ز برجام خطا بود، نبود؟ تکیه بر عهد عموسام خطا بود، نبود؟ پس اگر ذکر تیرای کسی گشته قضا حال فریاد کند مرگ بر آمریکا...»

گفته بودند که امضای فلان تضمین است نه فلان ماند و نه امضاش، حقیقت این است زان هیاهو چه به جا مانده به غیر از اسمش جسدی مانده ز برجام و ز روح و جسمش» شعر سروده‌شده در ادامه عبرت گرفتن از گذشته را بر اساس همان بصیرت و عقلائیت انقلابی توصیه می‌کند و با اشاره به برجام تأکید می‌کند:

«بوی فاسد شدنش نیز بلند است بلند ادکلن‌های اروپایی اگر بگذارند ادکلن‌های اروپایی بی‌خاصیتی که ندارند به جز گلیج شدن منفعتی این اروپا مگر آن نیست که در سعادت‌یاد بست پیمان و بلافاصله دادش بر باد»

امسال نیز شعر میثم مطیعی یک مداحی جامع بود. اشاره به ماه صیام و حظ معنوی روزهداران در

اصولی که با توجه به وقایع روز مصادیق تازه‌تری برای بازنمایی در شعر و مداحی پیدا می‌کند. مثلاً در ماجرای برجام، محتوای شعری که مطیعی خواند، به جهت پیروی از اصول سیاست خارجی انقلابی، همان محتوای عید فطر ۹۵ و ۹۶ بود، البته این بار با مصادیقی که تأییدی بر پیش‌بینی‌های عقلائی و بصیرت‌ساعاران و مداح این خطبه‌ها است. متخصص‌ترین دیپلمات‌ها اگر چه توجیه‌های موافقانه خود را در فقره برجام مطرح می‌کردند و سفت پای آن می‌ایستادند، امروز بعد از اقدام ترامپ در خروج از برجام متوجه شدند شعر ساده میثم مطیعی، واقعی‌تر از خوشبینی آنها بود (دل به لیخندش اگر باخته‌ای، باخته‌ای) «چرا که برخاسته از بصیرت و عقلائیت انقلابی بود؛ بصیرتی که همواره بر شعار مرگ بر آمریکا تصریح می‌کند: «عید رسوا شدن دشمن پیمان‌شکن است روز یکدل شدن و جشن خروش وطن است شد عیان بر همه دنیا که چهل سال چرا بود ورد لب ما مرگ بر تو آمریکا...»

این شعر به ۲۰۰۸ از سوی رئیس جمهور محترم و یکی از اعضای تیم مذاکره‌کننده، به موضوع تدریس برجام در مدارس و ادعای تضمین کری بر برجام اشاره کرده و می‌گوید:

«باید این تجربه در «مدرسه تدریس» شود سند محکم بدعهدی ابلیس شود گرچه بدعهدی دشمن همه جور است و جفا عهد به بستن ما نیز خطا بود، خطا ذوق بیهوده ز برجام خطا بود، نبود؟ تکیه بر عهد عموسام خطا بود، نبود؟ پس اگر ذکر تیرای کسی گشته قضا حال فریاد کند مرگ بر آمریکا...»

گفته بودند که امضای فلان تضمین است نه فلان ماند و نه امضاش، حقیقت این است زان هیاهو چه به جا مانده به غیر از اسمش جسدی مانده ز برجام و ز روح و جسمش» شعر سروده‌شده در ادامه عبرت گرفتن از گذشته را بر اساس همان بصیرت و عقلائیت انقلابی توصیه می‌کند و با اشاره به برجام تأکید می‌کند:

«بوی فاسد شدنش نیز بلند است بلند ادکلن‌های اروپایی اگر بگذارند ادکلن‌های اروپایی بی‌خاصیتی که ندارند به جز گلیج شدن منفعتی این اروپا مگر آن نیست که در سعادت‌یاد بست پیمان و بلافاصله دادش بر باد»

امسال نیز شعر میثم مطیعی یک مداحی جامع بود. اشاره به ماه صیام و حظ معنوی روزهداران در

می‌خواهم درباره مداحی پرپرور میثم مطیعی در نماز عید فطر مطلبی بنویسم. بگذارید از ابیات میانی این خطبه شعر شروع کنم:

«ای نشسته صف اول به عدالت بر خیز مانده بر شانه تو بار امانت بر خیز علم داد برافراز که ملت هستند دل به شاهین ترازوی عدالت بستند همت قطع ید دانه در شتان باشد وای اگر دزدی از این قافله آسان باشد وای اگر توصیه و نامه پذیرد قاضی داد و بیداد اگر رشوه بگیرد قاضی»

خب! فکر نمی‌کنم از این صریح‌تر کسی قوه قضائیه را در حضور مسؤولان نقد و برخی نقاط ضعف در این مجموعه را یادآوری کرده باشد؛ حداقل من در خاطر ندارم. با این همه، خبری از همه‌های سراسری و رسانه‌ای از سوی قوه قضائیه در مواجهه با این نقد و شاید شعر اعتراضی نشده و نخواهد شد و اگر کسی کمی غور در اخبار و تحولات کند، با نگارنده هم‌نظر خواهد بود که برخلاف آنچه ضدانقلاب در رسانه‌هایش بازنمایی می‌کند، دستگاه قضا سعه صدر بیشتری از قوای دیگر دارد. نشان به آن نشان که خبرنگار اصلاح‌طلب هم پس از بازگشت از جلسه اصحاب رسانه با رئیس جمهور متأسفانه از لفظ طلبکار برای جناب روحانی استفاده کرده و گفته: «حسن روحانی طلبکارانه به همه نقادان شورید»^(۱) حکایت اعتراض برخی نمایندگان مجلس به پیامک چند دانشجو هم که این روزها نقل محافل رسانه‌ای است و حتی بر یابکاری حضرات در آزادی بیان و ادعای نقدشوندگی!

سال گذشته هم اگر خاطر تان باشد، همین علی مطهری‌های مجلس و آشناهای دولتی به مداحی عید فطر ۹۶ معترض شدند! حرم این است که اگر قوه قضائیه بخواهد با منطق آزادی بیان از نگاه دولت و مجلس با این ابیات مواجهه کند، واقعاً چه اتفاقی خواهد افتاد؟ این چند خط برای یادآوری این جمله رئیس‌جمهور، که مدعی بود قوای دیگر را نمی‌شود نقد کرد اما دولت را چرا؟^(۲) البته معلوم شد این حرف‌ها عمدتاً نمایش بود. تا آنجا که برخی حضرات دولتی حتی محضر رهبری هم گلابه برده بودند که این چه شعرهایی بود که فلاتی خواند ...

خطبه شعر امسال البته چند ویژگی داشت که نخ تنسیج میان همه خطبه‌شعرهای قرأت شده تا امروز از نسوی میثم مطیعی است و در واقع ثابت بودن اصول آن را یادآوری می‌کند؛